

باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
« بخش خاورمیانه »

« جریانه باختر امروز »
نشرة
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
في الشرق الاوسط
العدد اربع والثلاثون
السنة الثالثة
آذار ۱۹۷۳
المرحلة الرابعة

دکتر عباس شیپانی همزمان با
مفیدی محکوم باعدام شده
و هم اکنون در زیر شکنجه میباشد
و جان او در خطر است .

شکست نهائی امپریالیسم امریکادر ویتنام

پیروزی خلق ویتنام ، پیروزی ماو همه خلقهای جهان است

سیمای « شجاعان »

در خدمت تشدید سیاست تبلیغاتی رژیم
مصاحبات رادیو تلویزیونی مدتها تعطیل شده بود . پس از تغییر شغل ثابتی (مامور سازمان امنیت) از شغل مرده شورى مردگان سیاسى به منصب مدیریت شکنجه خانه ها و شکست رجاله بازیهای از قبیل مصاحبه رادیو تلویزیونی مدتها از این های و هوی خبری نبود . مقاومت حماسه آفرین عناصر انقلابی ، سازمانها و گروههای رزمنده در ایران اساسا شرایط تبلیغاتی ارتجاع را دشوار کرده بود . دیگر نمیشد از معمولی بودن خیانت و طبیعی جلوه دادن آن بوسیله مصاحبه و تفرر نامه صحبت کرد ، وقتیکه دهها انقلابی راستین تا میدانهای اعدام و زیر آتش رگبار گلوله های دشمن به پیمان خود با خلق وفادار ماندند . دیگر امکان نداشت صریح بمانند نیکخواه و یا با زمره همچون پارسائزاد از عطوفت و عدل ملوکانه ، از محیط و آزادیهای دموکراتیک سخن گفت زمانیکه کوس رسوائی دیکتاتوری از مرزهای ایران گذشته و در سرتاسر جهان منتشر شده و همراه در میدانهای نبرد در گوشه هر زندان یا شکنجه گاه و یا در هر میدان اعدام بدستور مستقیم شاه یک مبارز راستین شهید میشود . اگر قرار بود هنوز آن روش افشاء شدهی تبلیغاتی ادامه یابد ناچارا میبایست بدنبال افرادی گشت که موفق شوند برنامه های کمیدی را جسدی تر برگزار کنند . از این رو دلان کار کشته سازمان امنیت با مدارک و حال و احوال افراد « سر شناس » رنج سفر با طرف و اکتاف جهان را به خود خریدند و راهی سر منزل مقصود شدند . افرادی چون نیکخواه و پارسائزاد ، میزرا بنویس ها و رباطین این دلان بودند که نامه نگاریهای دو سال پیش را پس از مدتی از سر گرفتند . چه بسیارند از این دلان محمد رضا شاهی که با تور نخالی بهران باز گشتند ، شرمند و حقیر شده گزارش شکست داده و بگوشه ای خزیدند . در این میانه یک نامه «امیدبخش» بپارسا نژاد که در آن با سرافکنندگی تقاضای کمک شده بود باعث شد که کار یک بیک خیانت موفق آمیز شود . کورش لاشائی آن عنصر سرافکنند بود که با ایام و اشاره آمادگی خود را برای قبول شغل جدید اعلام داشته بود . مساله لاشائی همچون و دادن نیکخواه و پارسا نژاد در شرائط امروز جنبش در ایران بی اهمیت تر از ایستکه صفحاتی چند در این مورد نوشته شود آنچه که مهم است اصل مساله خیانت و وادادن و توجیه روشنفکرانه آن بدستور سازمان امنیت است . ایستکه در یک مبارزه در از مدت در مقابل حاجیان سه پله ، شهین توکلی ، مهدی رضائی و صدها انقلابی دیگر که برچم مبارزه را حتی در میدانهای پیر پر خاک نیافکنده اند ، چند نفر هم چون نیکخواه پیدا شوند که پس از تسلیم در توجیه خود داد سخن دهند و در جامه روشنفکر چیز فهم بدبیروزی بدرگاه شاه روند بسیار کم اهمیت بقیه در صفحه ۲

و حشبانه متجاوزین امریکائی یک مرحله ضروری برای رسیدن با اهداف نهائی انقلاب است . انقلاب ویتنام تا سرنگونی ارتجاع در جنوب و وحدت کامل و تشکیل جمهوری دموکراتیک ویتنام و حتی مدتها پس از آن در رابطه با ساختمان سوسیالیسم در سرتاسر کشور و انقلاب لائوس و کامبوج ادامه خواهد داشت . پیروزی بی نظیر خلق ویتنام در نبرد علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا دشمن شماره یک خلقهای در بند و منعکس در «قرارداد پایان دادن بجنگ» از این نقطه نظر و برای آینده انقلاب هندوچین یک دستاورد بزرگ تاریخی است . لازم است برای روشن شدن مطلب مختصرا نظری گذشته تردیک بیاندازیم و بتکاتی چند از گذشته ، فعالیتهای همه جانبه خلق ویتنام تا مقدم قرارداد اشاره کنیم .

همانطور که بیان داشتیم خلق قهرمان ویتنام نبرد آزادیبخش خود را با نبرد قهرمانانه خلق ویتنام بیکی بزرگترین پیروزیهای تاریخ خود این نبرد که در زمینه های ملی - دیپلماتیک - تبلیغاتی جریان داشت در یکی از مراحل عالی خود به قرارداد «پایان دادن بجنگ و بر سر واری صلح در ویتنام - ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳» انجامید . این قرارداد علاوه بر اینکه شکست امپریالیستها و حکومت زور سایکون را اعلام میدارد ضمنا نیز جدیدی است از آخرین مرحله پیروزی نهائی خلق ویتنام . هنوز مدت منطقه ای سرزمین ویتنام عملی شده است ، حکومت مزدور تیو در سنی از منطقه جنوب با تکیه به روهائی نظامی که امپریالیستها برای ساخته و پرداخته اند بر سر کار است لیکن قرارداد پایان دادن بجنگ و برقراری صلح ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ که جلوی حالت مستقیم امپریالیستها را در یوب سد میکند پله ای ضروری برای بسین بوحدت دو منطقه شمال و جنوب و سرکوب کامل ارتجاع مزدور یوب است . این قرارداد بهترین شانوردی بود که در شرایط مشخص مان امروز خلق ویتنام میتوانست بوان نتیجه مذاکرات انتظار آنرا نتنه باشد . با این قرارداد یا هر اراد دیگری مسئله ویتنام خاتمه ی پذیرفت . اساسا انقلاب ویتنام با در زمینه دیپلماتیک و با عقد یک اراد نمیتواند به هدف نهائی خود سد . انقلابیون ویتنامی خود بهتر فرکس باین اصل دست یافته اند و این روست که مقارن و موازی با لیبهای دیپلماتیک بکار سیاسی و ملت نظامی خود ادامه داده اند و تنها مذاکرات پاریس و نتیجه آن دل خوش برادند . فعالیتهای دیپلماتیک ، نبرد یغاتی علیه امپریالیستهای امریکائی ، و نظامی علیه پایگاهها و نیروهای یگائی و دیپلماتیک سیکون ، کار یکنی و سازماندهی در میان توده های یلمی اجزائی از کل انقلاب ویتنام یوت . بیرون ریختن قوای امریکا از ویتنام و متوقف ساختن بمبارانهای

اخبار

جریان دستگیری مهدی محسن

مهدی محسن برادر مجاهد شهید مهندس سعید محسن دیپلمه ریاضی که بعنوان کارگر تراشکاری و جوشکاری در کارخانه کار میکرد . بیش از یکسال که در سختترین شرائط پلیسی و پس از کوچهای نزدیک میدان اعدام میچید مسلحانه علیه رژیم دست نشانده آمریکا در ایران ادامه داد توسط پلیس خونخوار ایران دستگیر گردید .

مهدی محسن با شجاعت تمام راه سعید محسن و دیگر مجاهدین را دنبال میکرد . جریان دستگیری او طبق اطلاعات رسیده از اینقرار است . مهدی در میدان اعدام قرار ملاقات داشته . وقتی در آنجا حاضر میشود دوستش را نمی بیند و بطرف یکی از کوچهای نزدیک میدان اعدام میچید که شش نفر از مامورین پلیس از پشت با وحلمه میکنند و او را بزمین میاندازند . مهدی مسلح بوده ولی فرصت استفاده از سلاح خود را نداشته است . او بلافاصله دو قرص سمی را که با خود داشته میخورد و بحال بیهوشی میافتد . مامورین او را به بیمارستان شهر بانی منتقل میکنند و ۶ روز در آنجا بستری بوده و بعدا بیهوش میاید . یک هفته دیگر هم او را در بیمارستان نگه میدارند و بعد از بیمارستان منتقلش میکنند . تاکنون کلیه مقامات مربوطه از شهر بانی و سازمان امنیت دستگیری وی را آشکار نکرده اند . در حالیکه چند ماه از تاریخ دستگیری او میگذرد . چرا پلیس منکر دستگیری اوست ؟ پلیس برای بار اول نیست که چنین جنایتی را مرتکب میشود . جان مهدی در خطر است و خطر سربه نیست کردن او وجود دارد . بقیه در صفحه ۴

اگر چه مسلمانان با سربسته که خشونت مبرک را خشونت انقلابی باسخ و مید

سیمای «شجاعان»

است . راه انقلاب راهیست طولانی و پر پیچ و خم . در این راه هزاران هزار انسان آگاه و رزمنده برچم سرخ انقلاب بکف سالهای سال رنج میبرند ، شکست میخورند ، سازمان میدهند و پیروز میشوند . عداوتی نیز در این دالان طاقت فرسا پرچمی سرخ بر دوش قدم میگذارند . با ادعائی گران فریاد میکنند و سپس از آن سر پرچمی قهوهئی بر دوش لرازان و ندامت زده خارج میشوند تا بعضی سیاه رچالهها بیرونند . لاشائی نیز از این قماش بوده است . این ملی گونیش چیزی نیست جز احاد جدیدی همانند انقلابی گفتمش . در واقع امروز که رنگ سرخ مصنوعی جامه اش در کوران حوادث صورتی رنگ شد ، هنوز هم از انقلاب میگوید ، هنوز هم اندرز میدهد ولی نعره نیکخواه که بزمنه پارسا نژاد تبدیل شده بود امروز به ناله لاشائی انجامیده است . نعره « تحولات بزرگ و رهبر آن » بزمنه « رفرمیست بودن دولت » او امروز بناله « واقع بین بودن و اعتراف بشکست » منجر شده است . این سیر علاوه بر اینکه وضع ورشکستگان سیاسی را روشن میکند ، ضمناً در مطالعه ما باید بافتشای تاکتیهای سازمان امنیت بیانجامد . اینکه

همه افراد مصاحبه دوست سعی دارند دستور صاحبان امور داوطلبانه بودن کار خود را یاد آور شوند نباید مانع شود از اینکه بدانیم سازمان امنیت بفرخور حل و شرائط و تحلیل خود دستور میدهد که خائنین مثلا بزرگ کردن نام شاه بپردازند یا از ذکر نام او خود داری کنند . این نیکخواه ها لاشائیهایی نیستند که تعیین میکنند چه بگویند بلکه سازمان امنیت است که دستور میدهد ، نیکخواه باید از « انقلاب » ذکری بمان آورد و لاشائی باید بتحلیل کرامات او بپردازد تا رنگ صورتی او را سرخ جلوه دهند و بعوامفریبی برخیزند . مطلبی دیگر که در رابطه فوق باید گفته شود این است که باز با توجه بشرائط تیتز مصاحبه تعیین میگردد مثلا در کیهان هوائی که برای خارج کشور بخصوص اروپا و آمریکاست با لقب رهبر کنفدراسیون جهانی را میدهند و در کیهان زمینی از رهبر سازمان انقلابی نام میبرند . کیهان هوائی در زیر نویس تیتز ، با استفاده از منصب دیگرش می نویسد رهبر سازمانیکه کنفدراسیون را با افراد خود میگردداند و در کیهان زمینی زیر نویس تیتز بیشتر مربوط بعراق و حمله بدولت یعنی عراق است . همین اشاره کوتاه نشان میدهد که لاشائی مهزهای برای استفاده تبلیغاتی سازمان امنیت است نه اینکه وسائل تبلیغاتی رژیم در خدمت اندرزهای « دلسوزانه » او البته این امر را لاشائی بخوبی میداند و کتمان نمیکند . این رهبر سازی برای کنفدراسیون از این جهت است که قیمت لاشائی را بالا ببرند و گرنه کیست که نداند لاشائی هرگز رهبر کنفدراسیون جهانی نبوده است . بنا بر آنچه گفته شد مسأله لاشائی تنها در ارتباط با توجیهات روشنفکرانه و تاکتیهای . تبلیغاتی رژیم اهمیت پیدا میکند ، نه باین عنوان که لاشائی سجده بقبله گاه محمد رضا شاه قایل فرزندان انقلابی خلق کرده است . قسمت دیگر از تاکتیهای مصاحباتی سازمان امنیت اینستکه واخورده ها را با استفاده از طرق مختلف پس از تسلیم بزرگ و پر ارزش بنمایانند مثلا فردی چون لاشائی باید قیمت پیدا کند . در ابتدا افسانه گار مخفی او در ایران ساخته و پرداخته میشود ، داستانش اتوبوس و دماندش طرح ریزی میشود . لاشائی خود در لباس آدمیکه مخفی بایران رفته و کار سیاسی کرده و رنج و عذاب دیده و سپس باین نتیجه رسیده ، که در ایران انقلاب دموکراتیک نوین شده است جلوه گر میشود . آدمیکه « سرتاسر جهان را برای انقلاب کردن » زیر پا گذاشته و سپس با پذیرائی خطر بیمین برای انقلاب رفته است . در این زمان خبر زیر شکنجه بودن و مقاومت او بخش میشود . حال دیگر آن آدم خود بزرگ شده است و میتواند زیر سایه سازمان امنیت در حالیکه نقش خرد را خوب بازی کرده است موقرانه بفل دست سامور امنیتی جلوس کرده و بدرفشانه ببردارد . اینجا لاشائی «مخفی» هویدا میشود و از سنختهای انقلابی خود در چین ، کوبا ، عراق ، کردستان و اروپا و ایران و ... سخن میگوید کدام شتونده ساده ایست که گمان کند يك چنین آدمی اشتباه میکند . این نقشه سازمان امنیت بود . اینکه لاشائی مخفی بایران رفت

ابراز نصف واقعیت است ، اینکه او مخفی از اپوزیسیون مترقی و نه از سازمان امنیت بایران رفت همه واقعیت . ولی ما در اصطلاح سیاسی ، مخفی را از نقطه نظر سازمان امنیت و دشمن بکار میبریم و لاشائی بمعنای عکس آن . در واقع در جائیکه امروز لاشائی قرار گرفته است یعنی صف ورشکستگان سیاسی و اوداده ها باید هم مخفی بمعنای مخفی از سازمان امنیت نباشد . این شیوه سازمان امنیت باید هوشیاری بیش از پیش ما وهمه سازمانهای سیاسی اپوزیسیون را بر انگیزد . باید با صمیمیت و آگاهی سیاسی بمسائل برخورد کنیم خائنین را هر زمان که پی بردیم افشا سازیم و تیکم نکنیم معرفی خیانت یکنفر از اعضا میتوانم مورد استفاده مخالفین و سازمانهای سیاسی دیگر قرار گیرد . چه در این صورت قبل از همه رژیم شاه استفاده میکند و ما بفریب طرفداران خود و همه اپوزیسیون دست زده ایم . بنا بر آنچه که در این قسمت گفته شد لاشائی نیز همانند سایر وادادگان با تغییراتی مختصر بوسیله سازمان امنیت آماده کار تبلیغاتی شد . او را با زر و زور کار انقلابی در چین و کوبا و ایران آراستند و به تلویزیون آوردند . این آدمک برفی «خاصی» داشت که همیشه میتوانست مورد استفاده دشمن قرار گیرد . ما باین نکات در این مقاله اشاره خواهیم کرد . آنچه که مورد نظر ما از طرح تاکتیهای سازمان امنیت است چونکي کارسازمان امنیت و افراد خود فروخته ایست که مبارزه گذشته خود را بیشتر و بزرگتر از آنچه که بود نشان میدهند تا قیمت خرید را دشمن با معیار این مبارزات بزرگ شده تعیین کند . اگر بنلیل راه و روحیه مشخص نتوانستند در صف انقلاب بمانند و « رهبر » شوند حالا میخواهند در صف ضد انقلاب بمدارج بالا برسند . مصاحبه و طرز کار لاشائی مانند دیگر همبستگان امروزش از اینجا سر چشمه میگیرد . نقطه حرکت و علت این کش و قوس رفتنهای نیکخواه و پارسازاد و لاشائی را باید در دلائل مختلفی جستجو کرد . از نقطه نظر روانی آنان بعهده خود راست بینی دچارند . اینگونه افراد بمجرد شناسائی سطحی گمان دارند که همه مسائل را میتوانند بر پایه همین دانش مختصر بفهمند و ببینند . با تبخیر از ایدئولوژی خود سخن میزنند ، خود را از سرشت ویژه میپندارند شمعار میدهند و حکم صادر میکنند و اگر بنیلی و در مورد خاصی تغییر عقیده دهند بمجرد تغییر عقیده با همان شدت و حدت از عقاید جدید خود دفاع میکنند و همه آنکسانی را که تا دیروز با آنان همعقیده بوده اند باد انتقاد و استهزاء میگیرند ، خود را مرکز ثقل جهان میدانند ، از کسی چیزی را قبول نمیکنند و همه چیز باید بر محور وجود آنان و عقاید آنان بچرخد . در واقع همه این عکس العملها و روشی که گاه متعصبانه می نمایند ریشه بپوشش است بر کمی ظرفیت و عقده حقارت آنان . از نقطه نظر روند مبارزه اجتماعی خائنیتی از قماش لاشائیهایی تنها میتوانند زمان بالنسبه کوتاهی عصف مبارزان باشند . در مرحله تدارک انقلابی در شرائطی که يك مبارز انقلابی میبایست با همه وجود خود با آمادگی برای يك مبارزه طولانی بمیدان آید برای منزلقین جانی نیست . در مرحله تدارک زنده ترین و آگاهترین عناصر بار سنگین مسئولیت را بدوش میکنند ، در خدمت مبارزات قرار میدهند ، انتظار آنان از مبارزه این نمیتواند باشد که « پیروزمندان با يك انقلاب قهر آمیز بایران باز گردند » آنان پیروزی را می بینند و باین اعتقاد دارند ولی حساب تاجرانه در مورد انقلاب را خطا میدانند . نیکویند پس از « چندسال در بدی چرا خلق باستقبالشان نمیروند و چرا پیروز نشده اند ؟ آنان به نقش تاریخی خود ایمان دارند و مسأله مبارزه قهر آمیز طولانی را درک کرده اند . برخی از افراد که در اواسط راه نفسشان بند میاید رید و برخوردی تاجرانه بیساله انقلاب دارند . حساب آنان مثلا پنج سال زحمت و تمام عمر پیروزی و زندگی افتخار آمیز و رهبرانه است . در سخن از دید مبارزه طولانی صحبت میکنند و در عمل در انتظار پیروزی فوری ساعت شماری میکنند . اینان خرده بورژواهای میان تهی هستند که اکثر وقت خود را در رویای انقلابی که با شرکت موثر ایشان صورت گرفته باشد صرف میکنند . در واقع اینگونه افراد منتظر اینند که هر چه زودتر دستمزد « زحمت انقلابی » خود را از خلق دریافت دارند . این بینش از وابستگی اجتماعی و طبقاتیشان منتج میشود ، افرادی از این قماش

نتوانسته اند خود را تصحیح کنند ، در زمینه های تئوریک بعضی مسأله پی نبرده اند ، ایدئولوژییشان ، ایدئولوژی طبقات متوسط لرازان است . هر چند در ابراز نظریات خود را باصطلاحات انقلابی طبقه پیشره آفتمتد میکنند . قرارگاه طبقاتی انقلابی تغییر نکرده است ، مسلح به بینش علمی انقلابی نیستند . کسانی که از نقطه نظر قرارگاه اجتماعی چنین موضع طبقاتی دارند ، نقطه حرکتشان برای مبارزه آنست که ذکر کردیم و روحیات شخصیشان نیز آنطور که شرح دادیم ، بهترین طعمه دشمنانند . در واقع خیانت آنان بر اساس فوق قرار دارد . چه بسیار افرادی که در يك روند مبارزاتی با این یا آن ضعف شرکت میکنند ، شناخت صحیح و تجزیه و تحلیل صادقانه ، کمک سازمان سیاسی که عضو آن هستند ، ارتباطات تشکیلاتی و مسلح شدن به بینش طبقاتی نو باعث میشود که بتوانند ضعفهای خود را مرتفع کنند . وقتی از طبقه خود آگاهانه بفریادند و در تئوری و عمل در خدمت طبقه دیگر قرار گرفتند میتوانند در کوران مبارزه انقلابی با هم بیشتر تصحیح شوند . عناصر مبتدل چون نیکخواه و لاشائی نشان دادند که چیز دیگری میخواهند و از قماش دیگری هستند . عناصر انقلابی سازمانها ، گروههای رزمنده صادق و صمیمی ، معتقد آگاه بانچه که میخواهند بدون زست روشنفکر مآبانه و مسخره آن قماش از آدمها در جهت منافع زحمتکشانش حرکت کردند و در خدمت تدارک مبارزه انقلابی و تاریخ ساز زحمتکشانش قرار گرفتند و پیرایه های ترمن کنند و روحیات منزلت را از خود زدودند . از این روست که یوبانها برانو در نمایند حتی اگر گروه گروه بچوبه های میدان تیر بسته شوند و لاشائیهایی در مقابل ارتجاع بخاک میافندند و ندیده وزاری سر میدهند . آنان در خدمت يك جریان تاریخی دیگر و نیکخواه ها و لاشائیهایی برای مسأله دیگر وارد گرد شده بودند . آنچه را که نوشتیم میتوانیم در مصاحبه لاشائی بایات برسانیم . از هر گوشه این مصاحبه خود بینی و فرد پرستی آمیخته با عقده حقارت و خود بزرگ بینی هویداست . بینش فرم طلبی و خرده بورژوازی روشنفکر مآب بسرتاسر این مصاحبه سایه افکنده است . در همان ابتدای سخن پراکنی از دین خود صحبت میکند و میخواهد بهم آنکسانیکه ابراه او رفته اند اندرز دهد و خود را از مردان شجاع تاریخ میداند و انهم در لفافه ای از لغات که مخصوص آدمهای خود پرستی است که شهامت ابراز روشن خود پرستی خود را ندارند . خود را واقع بین ، تنرس ، کسی که موانع فراوانی را دور زده یا دور کرده است میخواند . با استعاره تا حد نیمه خدائی خود را بالا میبرد و همسنگ پرومته میداند . از خطر نمیرسد و به پیشوا نظر میروند و سرگرم ستایش خویش است و از نتایج تجربه و تفکر خود سخن میراند که انگار پس از پایان انقلاب مسلحانه بایران باز گشته است و خائنی و مانده زیر سایه سازمان امنیت نیست . کسیکه تا دیروز همچون تافته جدا بافته خود را مدافع کمونیسم میدانست امروز پس از « لختی اندیشیدن » کوبا را مورد حمله مستقیم قرار میدهد و معتقد است آنچه که چین بوسیله انقلاب دموکراتیک نوین انجام داده شاه با انقلاب سفید بیابان رسانیده است . نه در آنچه که تا دیروز گفته بود ذره ای اعتقاد علمی وجود داشت و نه در آنچه که امروز میگوید واقعیتی نرفته است . دیروزش بدلیل اینکه در عرض چند روز بتایش فرو ریخت و امروزش از این رو که بنائی چند روزه ساخت و با ارتجاع خونخوار همزبان بفریب نشسته است . آنچه که تا دیروز میگفت چیزی جز سرمایه داری وابسته نبود و نام سوسیالیسم بان نهاده بود و بهترین دلیل اینکه آنچه که امروز هست یعنی سیر بطرف برقراری کامل مناسبات سرمایه داری (وابسته) را همان میدانند این نیکخواه ها و پارسازاد ها بودند که در ذرورق سرخ در حقیقت طالب برقراری مناسبات ظالمانه سرمایه داری بوده اند و نه انقلابیون راستین که در جهت ساختمان جامعه های عاری از ستم طبقاتی بنبرده برخاسته اند . این « تریچه های » سرخ میخواهند عقب ماندگی و ناتوانی فکری خود را بهمه مبارزان تعمیم دهند . آن زمانیکه همه مبارزین راستین باین گونه عناصر کینه بردار عقیمانده هشدار میدادند ، این جنابان همه مقفدان صمیمی را متهم بضد کمونیسم میکردند . امروز هم در زیر سایه سازمان امنیت زبون

پیروز باد انقلاب دمکراتیک ملی

های
مان ،
هر
طبقه
نیروی
استند .
وضع
ت که
شرح
آنان

یا آن
به و
سو آن
بینش
ود را
در و
رفتند
بیشتر
لاشائی
دیگری
رژمنده
بدون
آدمهادر
خدمت
قرار
از خود
نمیآیند
شوند
تند و
خدمت
لاشائیا
را که
سانیم
رستمی
است
گر مآب
ر همان
کند و
رز دهد
آهم در
ی است
دارند
فراوانی
استماره
پرومته
میروند
نتایج
از پایان
اشنی وا
سیکه تا
کمونیسم
را مورد
که چین
شاه که
آنچه که
داشت و
است
ش فرو
ش ساخته
است
ایه داری
بود و
عنی سیر
روایسته
ها بودند
مناسبات
استین که
ناتی بنبرد
اهد عقب
زان تعمیم
این گونه
این
کمونیسم
یت زبونو

میگویند بهمه مبارزان و همه کسانیکه پرچم انقلاب را در اهتزاز نگهداشتهاند حمله کنند . پسر از نیکخواه و پارساانزاد پرده از روی نهای واقعی خود و آدمهای مثل خود برداشت مان داد آن انقلاب ارضی که خواستارش بودند انقلاب سفید شاه نبود اساسا بپسرای او و مانی از آدمها انقلاب چیزی بخاطر تحکیم روابطی بازی جدید سرمایه داری است و از این رو خود رزده نشان میدهد و باد بغیب میاندازد و مد در ساختمان «جدید» شغلی هم سازمان امنیت چیزی را که خائنین عمدا بعنوان اشتباهات قتلداد میکنند اینست که گویا همه مبارزان نیکخواه و لاشائی و پارساانزاد کبیه بردار ، بی ارچاله و در جستجوی راه حل برای حاکم کردن سرمایه داری هستند . او باز هم خود را میگوید و میخواهد نادانی خود را نادانی جلوه گر کند . مبارزان راستین بدرستی از یک امروز جامعه ایران تحلیل دارند ، هرگز امروز جامعه را با چین پنجاه سال پیش مقایسه نمائند . مبارزه انقلابیشان در خدمت این قیاس است نیست . عناصر آگاه انقلابی نه تنها از یک تولیدی بلکه همچنین از «اهیت رژیم شاه» بکند امپریالیسم در ایران و همچنین «دموکراسی» آن تحلیل دقیق دارند . این افرادی مثل لاشائی بکلاه هستند که هر طرف که باد آید بادشند و در گذشته نیز از نکات ذکر شده تحلیلی نداشته و آنچه که میکنند معتقد نبودند ، امروز سخن گذشته اند . امروز رجاله بازی را بجائی نهاده که از آزادیهای دموکراتیک در ایران سخن بدهد . و با استعاره برای توجیه سازمان جهمی ناقابل هزرازان فرزند انقلابی خلق صدا در میدهند بسط دموکراسی و یا دقیقتر بگوئیم پایه های راسی را در ایران قبول کنیم ، و پس از مقداری در لفافه که میخواند وجود «حکومت خلق» را بران بانیات رسانند و بگوید انقلاب سفید در خدمت مردم بوده و به ترقی و تعالی توده کمک میکند و این رو پایه گذار دموکراسی است چون بتکامل نمی کمک کرده است بمخالفین حمله میبرد و بود. وضد واقعیت این را قبول ندارد ، او راسی را نه بر اساس شالوده های متین در زندگی بلایو سطح فرهنگ و احساس مسئولیت اجتماعی بینند ، بلکه آزادی گفتار بی مسئولیت و بدون بواقفیت های اجتماعی گروهی از روشنفکران را چنین دموکراسی می بیند .

از این جملات نیز نظریات لاشائیا روشن میشود . بزرگترین حدی را که میتوانند تصور کنند پس از مناسبات سرمایه داری ، دموکراسی بورژوازی ، نوازه اینکه یک چنین دموکراسی امروزه در بخشی از فعالیتهای تولیدی و روابط اجتماعی ندارد ، مساله دیگریست که توجیه کنندگان توری باید آنرا بفراموشی بسپارند .

ماهیت کار امروز لاشائی و امثال او اگر هیچ چیز نگفته و هیچ خیانت دیگری مرتکب نشده بودند آن جمله پردازیا آشکار میشد . آیا این افراد های انباشته از زندانیهای سیاسی را نمی بینند ، نم وجود سندیها ها ، روزنامه های مخالف و با بر حس نمیکنند ؟ آیا حکومت مطلق سازمان و شکنجه گاههای اوین افسانه است ؟ آیا بیست سال شکنجه ، ترور و کشتار مردم کوچه بازار بخاطر دموکراسی است ؟ آیا در تصور همان راسی بورژوازی که این قماش آدمها سنگ آنرا بسینه نهاده این چیزها نمیبایست وجود داشته باشد .

ما در این زمینه بطور مفصل و عمیق در جای صحبت خواهیم کرد . لیکن در اینجا و در آخر اینست نشان دهیم که این دلپاختگان رژیم شاه چه که میکوشند حرفهای خود را جدی و دلسوزانه دهند تا چه حد به متحلاب خیانت در غلطیده اند .

باید آنچه را که از باب دیکته میکنند بگویدوناجارا که صحبت از هزاران زندانی و صدها شهید در بجا گاههای ساواک و در میدانهای تیر است «چائیکه» بحرف میزند او استعاره بکار میرده . همانطور در اول مقال گفتیم خیانت یک تن چون لاشائی که هم به سخن پراکنی سفسطه و دروغ ادامه میدهد و ب مردم نشستته است مساله مهمی نیست . که مهم است ماهیت این وادادگان و فریبی است بروزه مأمور شیوع آند .

شکست نهایی
کمسیون بینالمللی کنترل و نظارت
بلافاصله پس از عقد قرارداد ، و یک کنفرانس بینالمللی ، ۳۰ روز پس از آنرا پیش بینی میکند .

این مواد بروشنی گویای شکست نظامی در ویتنام است . برسمیت شناختن تمامیت ارضی ویتنام و عدم دخالت در مسائل داخل آن و همچنین تصدیق وحلت ملی و یکپارچگی ویتنام نکاتی است که خلق ویتنام برای آن هزاران هزار قربانی داده است . بیرون کردن جنایتکاران امریکائی که سالهای سال دهات و شهرها ، خیابانهای اصلی و بیمارستانها ومدارس را باتش کشیده بودند دستاوردی گران است . همانطور که در اول مقال گفتیم انقلاب ویتنام اکنون از یک مرحله پیروزمند خویش گذشته است . امریکا در آینده نیز سعی خواهد کرد بعناوین مختلف پیروزی نهایی خلق ویتنام را جلو گیر شود لیکن همانطور که متجاوزین ژاپنی - فرانسوی - امریکائی تا امروز قادر نشدند برآراه و خواست تاریخی خلق ویتنام خلل وارد آورند در آینده نیز امپریالیستها کماکان موفق نخواهند شد . پس از ترک خاک ویتنام توسط جنایتکاران امریکائی خلق ویتنام سرتوشت خود را در دست میگیرد .

امروز همه جهان میداند که انقلاب ویتنام در تسخیر ناپذیری است . ما در ذکر موادی از قرار داد نشان دادیم که اصول پیشنهاد ماه مه ۶۹ جمهوری دموکراتیک ویتنام در قرارداد ۲۷ ژانویه ۷۳ حفظ شده و اکثر مواد قرارداد مزبور در قرارداد فعلی منعکس است ، یعنی امپریالیستهای متجاوز سه سال دیگر بپهوده کوشیدند خلق ویتنام را با بمباران و اعمال قدرت نظامی و وارد کردن تلفات فراوان بمرم بجزانو در آورند . شکست تاریخی امریکا در ویتنام و در زمانیکه شرایط بینالمللی چندان مساعد نبود عظمت این دستاورد انقلابی را نشان میدهد .

وظیفه مبارزان انقلابی جهان در پشتیبانی از انقلاب ویتنام بانمام نرسیده ، امپریالیستها و ازتجاوزین سایگونی بفکر توطئه و دسیسههایی خواهند بود که لاقول پیروزی نهایی خلق ویتنام را بعقب اندازند . کمکهای نسلیحاتی فراوان بحکومت سایگون ، قبل از قرارداد و کمکهای بحساب امپریالیستها در مسلح و آماده کردن ارتش یک میلیونی برای مزدوران سایگونی مقدمات این کوشش رنجابی است . امپریالیسم شکست خورده امریکا سعی خواهد کرد با مانور در روابط دیپلماتیک جهانی بخلق ویتنام فشار آورده و حال که برای همیشه از پیروزی نهائی نا امید شده و شکست کامل خورده است در زمینه دیپلماسی جهانی بحفظ «برستی» بپردازد . ائشاء دسیسهها علیه انقلاب ویتنام و مبارزه با آن در سطح جهانی وظیفه همه ما است . خلق ویتنام که طبق قرارداد ، استقلال و تمامیت ارضی و وحدت ملی اش اعلام شد تحت رهبری حزب و دولت دموکراتیک ویتنام شمالی و دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی سرزمین خود را از بقایای فاسد و تجاوزگران امپریالیست ، حکومت تیو پاک خواهند کرد . انقلاب ویتنام جزئی از انقلاب جهانی است . پیروزی اخیر ویتنام پیروزی همه ما ، پیروزی انقلابیون گیتی است .

لوموند ۲۷ ژنویه ۱۹۷۳ (رازمخبر لوموند)
تهران - يك گروه مخالف رژیم که خود را «چریکهای رهائی بخش خلق» معرفی کرده اند روز ۲۵ ژانویه (۵دیماه) به نمایندگی مطبوعات خارجی تلفن زده و اعلام کرد که مسئولیت انفجراز يك بسته مواد منفجره در جلو دفتر شرکت هواپیمائی پان آمریکن در تهران را بعهده میکبرد . آنها اظهار داشته اند که دو پلیس در این حادثه زخمی شده اند ولی محافل رسمی اظهار داشته اند که تلفاتی بیار نیامده است .

از طرف دیگر بنا بنوشته يك روزنامه ایرانی بدنبال تظاهراتیکه در دانشگاه بناسیت برگزارى دهمین سالگرد «انقلاب سفید» از طرف دانشجویان صورت گرفت . يك کارشناس تحقیقاتی انگلیسی بنام آبی کلف کوروین دستور داده شده که که از ایران خارج شود . دانشکده های فنی و پزشکی و دانشکده ادبیات از روز سه شنبه ۲۳ ژانویه (۳ دیماه) بدنبال تظاهراتی که در طی آن شمارهای علیه اقدامات فرمیستی شاه داده شد بسته میباشند . روزی نامه های سرسپرده رژیم شاه خبر تظاهرات پرشکوه دانشجویان دانشگاه تهران را همراهِ با اخراج يك کارشناس انگلیسی کجا درج کرده اند تا بخيال خود «ماهرانه» رابطه ای بین این دو خبر برقرار نمایند ، شاید بتوانند این تصور را در ذهن مردم بوجود آورند که تظاهرات شکوهمند دانشجویان که علیرغم آنچه تبلیغات و خیمه شب بازی رژیم صورت گرفت در رابطه با این فرد انگلیسی بوده است . مردم ایران با این تمهیدات کهنه و مسخره سازمان امنیت که سالهاست با آن آشنائی کامل دارند بدیده تمسخر نگاه کردند و در بحبویه جشن و چراغانی شاه بخاطر دهه «انقلاب» همه جاصحبت از تظاهرات پر شکوه دانشگاه بمیان آوردند .

درد بدانشجویان رزمنده دانشکده های فنی ، پزشکی و ادبیات و همه دانشجویان دانشگاههای ایران که هیچگاه و در هیچ شرائطی سرتسلیم در مقابل رژیم دیکتاتوری شاه فرود نیآورده اند .

● خبرهای رسیده حاکیست که روحیه خانواده های شهیدان عالیست . برای نمونه باید از روحیه پدر و مادر مجاهد شهید ناصر صادق یاد کرد . مادر ناصر صادق آخرین باریکه ملافات فرزندش رفت با خود حلوا بزندان برد و گفت میداند که ترا خواهند کشت . درد فراوان بمادران و خواهران قهرمان . درد بزنان داغ دیده ای که با استقامت و فداکاری خود ایمان مستحکم خویش به انقلاب مسلحانه ضد استعماری وضد سلطنتی مردم نیرو میبخشند . درد بخواهران ومادران زندانیان سیاسی که با صبر واستقامت خسود افسونها و حبسه گریهای رژیم دست نشانده آمریکا و اسرائیل در ایران را نقش برآب میکنند .

● پس از شهادت مجاهد شهید سعید محسن مردم زنجان از او تجلیل کردند . در زنجان در مسجد سید سه روز بعد از شهادت سعید برایش مجلس ختم از طرف روحانیون برگزار شد و ۹ نفر از علمای زنجان اعلان مراسم ختم را امضاء کرده بودند . سازمان امنیت امضاس کنندگان را تهدید کرد . سه نفر از علمای امضاء کننده در مراسم ختم

● «بناسیت در گذشت ناگوار جناب مهندس سعید محسن طاب تراه که از خاندان روحانیت و فضالت بود مجلس ترحیمی بتاریخ ۷ خرداد ماه در مسجد سید بر گزار میشود . امید آنکه همشهریان محترم بجهت احترام به فضیلت و تقوی در آن مجلس شرکت فرمایند . الاحقر محمد حسین غروی - الاحقر نجفی میرزائی - محله اسماعیل صائی - الاحقر یعقوب جباری - الاحقر ابو الفضل سلیمی - الاحقر کمال الدین قهاهتی - الاحقر عبدالرحیم واسعی - الاحقر عزالدین حسینی - الاحقر هاشم موسوی .

● مردم جهرم هم پس از شهادت سعید محسن برای او مجلس ترحیم بپاکردند . مردم جهرم از شهادت سعید بسیار غمگین بوده اند . بدون شک انقلابیونی چون سعید چه در دوران زندگی و چه با شهادت خود انگیز آگاهی و حرکت مردم مبارزه اند . مردم قهرمانانی چون سعید محسن را فراموش نخواهند کرد و سرانجام انتقام او را از دشمنان خلق ، از رژیم ضد مردمی محمد رضا شاه خواهند گرفت .

● مهدی رضائی را پس از محکومیت در بیدارگاه نظامی در زیر شکنجه کشته اند . یعنی حکم او در زیر شکنجه اجراء کرده اند . مهدی رضائی مجاهد شهید که فقط ۱۹ سال از عمرش میگذشت ، اما در کوره عمل مبارزه ، در مبارزه مسلحانه آبدیده شده بود ، در بیدارگاه شاه بخوبی از هدف و عمل خود و از سازمان انقلابی خود دفاع کرد . بدبختیا و فقر اقتصادی مردم را مفضلانیا نمود و در جواب دروغها و اتهامات رژیم که انقلابیون را به بیهدفی و تلف کردن اموال عمومی متهم میکند اظهار داشت «آیا کسانیکه در ماه ۱۵ - ۱۰ هزار تومان حقوق داشته اند و در زندگی شغل خود را رها کرده و در يك اطاق روی گلیم و با حد اقل شرائط زندگی میکنند و بخاطر سعادت خلق يك زندگی داهره آور و سخت را می پذیرند آیا میتوانند غارتگران اموال خلق باشند ؟ مگر اینها در زندگي خود صاحب همه چیز نبودند ؟ من خود در مدت فعالیت مخفی ام در اطایق زندگی میکردم که تمام وسائل موجود در آن صد تومان نیسازد . در زمستان وسيله ای برای گرم کردن خود نداشتم و از شدت سرما همیشه بیمار بودم و بدنم درد میکرد و باید بگویم غذایم در روز از يك نان و مقداری پنیر تجاوز نمیکرد .

● مهدی رضائی وقتی دستگیر شده با خود ۱۰ هزار تومان پول داشته است .

باختر امروز

نامه مسعود رجوی از زندان

یادداشتی که مسعود رجوی از زندان برای رفقای رزمنده و خلق قهرمان ایران فرستاده است + هموطنان مبارز، رزمندگان انقلابی، برادران مجاهد

بعنوان يك مجاهد ناچيز و باقتضای وظیفه انقلابی و انضباط تشکیلاتی خود را آماده کرده بودم تا ناچیز ترین سرمایه خرد یعنی جانم را با انقلاب این خلق بزرگ هدیه کنم تا باینترتیب پیرو صدیقی برای قهرمانان و رزمندگان بزرگواری باشم که با جانبازی و نثار خون خود در ماههای اخیر ثابت کردند که خلق ما تصمیم قطعی را برای نجات زندگیش از تباهی گرفته است تصمیمی که بر اساس آن هر خلقی از لحظه ای که مرگ را بر تسلیم مرجع میاندند شکست ناپذیر شده و پیروزی تضمین میگردد . اما بدلیل منافع مادی و تبلیغاتی دیکتاتوری حاکم مخصوصا در خارج از ایران فعلا از این سعادت جاویدان محروم شده ام . در مقابل دشمن مرا در مظان اتهام سنگینی قرار داده است اگر چه در این مورد این پیام آسمانی را بیاد میآورم که «... لستمعن ... من الذین اشر کوزای کثیرا ...» یعنی «از بت پرستان آزار و اذیت فراوان خواهید دید و خواهید چشید» . و همچنین مضمون سخن یکی از انقلابیون بزرگ را که «برای ما چه یک حزب ، ارتش و یا فرد هرچه بیشتر مورد طعن و لعن و نسبتهای ناروای دشمن واقع شویم مسأله اینستکه او را بیشتر خشمگین کردیم» لیکن آنچه در این لحظات مهم است تجدیدعهد باشهدای بخون خفته که در آخرین دم لبهای تبتار شان را بوسیده و صدای پرتین قلبشان را شنیده ام و متفقا سوگند خورده ام :

و سيعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون
و بزودی ستمکاران خواهند دانست که چگونه آنها را درهم میشکنیم .

۲-۳-۱۳۵۱ زندان قزل قلعه
مسعود رجوی

اخبار

- بانگ صادرات اصفهان در خیابان بزرگمهر مورد حمله چریکها قرار گرفت و پولهای آن با موفقیت کامل تصرف شد .
- در روزهای بااصطلاح جشن دهه «انقلاب سفید» (بهمن ماه ۱۳۵۱) مدرسه رضویه در قم و مدرسه علمیه در نجف آباد مورد یورش پلیس قرار گرفته و عده ای از محصلین دستگیر شده اند پلیس عکسهای حضرت آیتاله خمینی را که بر دیوار کلاسهای مدارس نصب بوده است جمع آوری و توقیف کرده است . علت یورش بمدراس فوق پخش اعلامیه های حضرت آیتاله خمینی و چریکها توسط محصلین بوده است .
- از یک مدرسه در شمال تهران ماشین تحریر و دستگاه پلی کپی توسط مبارزین بغنیمت برده شده است قبلا همین عمل در دبیرستان فارابی تهران صورت گرفته بود .
- ثقه الاسلام آقای موحیدی پورساده را که بعد از اعدام مجاهدین در مسجد حاج سید عزیزالله خطابه ای ایراد و بحکم بیدادگاه رژیم اعتراض کرده بود بازداشت کرده اند . یکصد نفر از طلاب و روحانیون باین مناسبت در مسجداجتماع کرده بودند . بقیه در صفحه ۳

نشانی پستی
P.O. Box 7229
Beirut, Lebanon

نشانی بانکی
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-13896

ایران ۲ ریال
لبنان ۱۵ قروش
عراق ۱۰ فلس
کویت ۱۰ فلس
ترکیه ۲۵ قروش

شکست نهائی امپریالیسم

تدارک حمله بعد عمل میشد . اگر آمریکا با اعمال آن شکست خورد خلق ویتنام که بتوده ها و به پشتیبانی خلفه جهان متکی بود با اعمال این تاکتیک به نتیجه رسید . پس از قطع اولین مذاکرات صلح بین آمریکا و نیروهای انقلابی در پائیز ۱۹۶۷ مقامات امریکائی مطمئن شدند که جنگ ویتنام را نه با اعمال قدرت نظامی و بمبارانها و نه با دسیسه های تبلیغاتی نمی توانند برفع خود خاتمه دهند . ولی هنوز بعدم تاثیر تاکتیک خود پی نبرده بودند و هنوز اصل شکست در همه ارکان امپریالیستها و جناحین مختلف آن مورد قبول نبود . تسلیحات شدید چند ماهه و تبلیغات جهانی همراه آن که تا حمله پیروزمندانه «تت» ۱۹۶۸ ادامه یافت نیز بر اساس این عدم قبول شکست قرارداد «تت» حمله «تت» نیروهای انقلابی بخش عظیمی از دستگاههای حکومتی آمریکا را بیدار کرد و ضعف نظامی - سیاسی آمریکا و نیروهای مزدور سایگون را برملا ساخت . این حمله ، دستگاههای گزارش دهی سیا ، ستاد فرماندهی سه قوا ، و دیپلماسی آمریکا را باختلاف و بی نظمی وعدم اطمینان بی نظیری گرفتار ساخت ، بعبارت دیگر با گرفتن پیروزیهای نظامی «تت» این سلسله حملات همان نتایجی را داد که نیروهای انقلابی انتظار آنرا داشتند . از آن پس تنها دستگاههای محدودی از ارتش هنوز خواب پیروزی در ویتنام را می دیدند . نیکسون و کیسینجر بیش از پیش بتاکتیک ذکر شده پناه بردند و هدف از اعمال آن دیگر نه بدست آوردن پیروزی بلکه تنها فرار ظاهر آراسته امپریالیستها از ویتنام بود .

امپریالیستها برای زمینساز و ساختن باخاطر هدف فرار آراسته از طرفی ، و بخاطر اعمال آخرین کوشش ممکنه و جواب بدستگاههای نظامی از طرف دیگر ، کمک بدست نشاندگان سایگونی را افزایش داده و برنامه ویتنامیزه کردن جنگ را طراحی کردند . در هشتم ماه مه ۱۹۶۹ باردیگر نیروهای انقلابی در پاریس پیشنهاد خود را دایر بر عقد قرارداد آتش بس و خروج نیروهای امریکائی از ویتنام مطرح ساختند . در این پیشنهاد انتخابات عمومی پیش بینی شده و ذکر شده بود که در دوران آتش بس و انتخابات عمومی هیچیک از طرفین اجازه ادامه حکومت بخلق ویتنام را در جنوب نداشته و حکومت منتخبه از انتخابات حکومت رسمی و قانونی در منطقه جنوب خواهد بود . مقامات امریکائی در آنزمان با این طرح مخالفت کرده و ابراز داشتند که طرح مزبور جلوی نابودی «پرستیژ» آمریکا را نمی گیرد و نیروهای انقلابی فوراً پس از تخلیه آمریکا قدرت در جنوب را بدست خواهند گرفت . مقارن همان زمان حمله نظامی آمریکا به لاوس و تشدید بمباران در ویتنام و همچنین اعلام و اقدام در مورد طرح ویتنامیزه کردن جنگ صورت گرفت تا برای مذاکات بعد همانطور که بیان شد زمینه مساعد تری بدست آید . همه این برنامه ریزیها با شکست روبرو شد .

آزادی ویتنام آزادی بشریت است

تکنه از این شکست نظامی می برد آمریکا در حدود دوستان شرقی آسیا کرده بود که ۱۳۰ فروند آن بمبارانهای ویتنام شمالی شدند . جمهوری دموکراتیک ویتنام در زمان کوتاهی ۵۴ هزار هواپیماهای «ب» ۵۲، هزار بمببازکن ساخت و ۳۴ فروند آنها در مدت زمان بمبارانها تاریخ ۲۹ تا ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ تا علاوه بر این تعداد کثیری از هواپیما استراتژیک از قبیل اف ۱۱۱، بمب افکنهای امریکائی در این حمله بوسیله آتشبارهای جمهوری دموکراتیک ویتنام نابود شده و تعداد کثیر خلبانان و سربازان امریکائی در حملات دستگیر شدند .

امپریالیستها متجاوز امریکائی خود را با موجی از اعتراضات جهانی و ضربات شدید نظامی نیروهای ارتش روبرو دیدند . کیسینجر بار دیگر برای عقد قرار داد پاریس در قرارداد «برقراری صلح» ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ نتیجه کوششها و مبارزات ویتنامی ویتنام است که به تخلیه کامل نیروهای نظامی آمریکا از خاک ویتنام منتهی شد . در این قرارداد اعتبارات خود را ادامه میدهد . در فصل اول این قرارداد چنین می خوانیم که «ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای شرکت کننده (منظور متحدهین امریکایی استقلال ، وحدت سرزمین و یکپارگی ویتنام را طبق قرارداد ۱۹۵۴ محترم میشمارند . در فصل دوم - ماده ۲ چنین آمده است که آتش بس در ویتنام جنوبی ساعت ۲۴ روز ۲۷ ژانویه برقرار میشود .

همزمان با آتش بس ایالات متحده آمریکا عملیات نظامی ، هوایی و دریائی خود را علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام و مین گذاری آبهای مرمی و بنادر و سواحل خانه میدهد . ایالات متحده موظف است مین و آبهای مرمی و بنادر و سواحل و راه آبی را بمجرد امضاء قرارداد نابود و بی اثر کند . طبق ماده چهارم قرارداد ایالات متحده آمریکا به درگیرهای نظامی مداخله در امور داخلی ویتنام جز ادامه نخواهد داد . طبق ماده ۵ ، پس از ۶۰ روز از این قرارداد ، تخلیه کامل قوای نظامی مستشاران نظامی و کارکنان نظامی شامل کارکنان نظامی مربوط به برنامه پاسیفیکاسیون ، سلاحها ، مین ها ، مواد جنگی ایالات متحده و دیگر کشورهای ذکر شده در ماده ۳ A ویتنام جنوبی صورت میگردد . مستشاران کشورهای فوق الذکر مربوط به سازمانهای پارامیلتاری (کیکی - بلی) و نیروهای پلیس همچنین باید همزمان در این مدت نابود شود . طبق ماده ۱۵ بند الف فواصل نظامی بین دو منطقه در مدار فقط موقتی است نه نظامی یا مرمی و ضمناً این قرارداد تشکیل یک بقیه در صفحه ۳